



Sociology of Education

Sociological Investigation of the Consequences of Socio-Economic Inequality on Education and Training in the Western Provinces of the Country (Ilam, Kurdistan and Kermanshah) A Qualitative Study

Forouzan Karkhaneh^{1*}, Hasan Reza Yousofvand², Hossein Dehghan³

1. Department of Sociology, Faculty of Law and Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
2. Department of Sociology, Faculty of Law and Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.
3. Department of Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

❖ **Corresponding Author Email:** fkarkhaneh@pnu.ac.ir

Receive: 2023/04/26
Accept: 2023/09/21
Published: 2024/05/01

Purpose: The main goal of this article is to investigate the consequences of educational inequality in the western region of Kurdistan, Kermanshah and Ilam provinces.

Methodology: Phenomenology is an interpretive paradigm, so in this case, looking at phenomena is a meaningful and scrutinizing look. Pursuing this interpretative aspect is a way to acquire deep knowledge through the discovery of meanings, goals, perspectives and underlying logic. The research was conducted with a qualitative method. The interviews were targeted and each interview lasted approximately 45 minutes, due to the spread of the corona virus in the country and the people being quarantined, the interviews were conducted over the phone. The interview text of each person was written and again sent to the interviewee to confirm the accuracy and correctness of the text. With this method, the validity of the interviews has been obtained. Summarizing the interview information, the content analysis of the social, economic and educational inequality phenomenon in the target provinces was analyzed. Targeted sampling is the sample size of interviews with twenty informed people and experts in the research area until theoretical saturation is reached. The participants in this research included twenty people working in the three provinces of Kurdistan, Kermanshah and Ilam, of which 11 were men and 9 were women. The participants were university professors and education teachers, as well as health workers.

Keywords:

Social Inequality, Educational Inequality, Class Gap, Equipment and Facilities, Fair Distribution of Financial Resources.

Findings: Reducing the factors affecting the creation of social inequality in education can be the basis for the growth of various indicators in a society. Educational inequality has negative effects on the cultural, economic, social and even political conditions of a country. Removing the effective factors in creating social inequality in education, such as class gap, gender perspective, lack of efficient manpower and sufficient resources and equipment will lead to a growing trend and prosperity in the society.

Conclusion: Education is the basic pillar of development, in addition to providing an opportunity for people to develop their abilities and talents, it has social and economic effects and benefits.

Article Cite:

Karkhaneh F, Yousofvand H R, Dehghan H. (2024). Sociological Investigation of the Consequences of Socio-Economic Inequality on Education and Training in the Western Provinces of the Country (Ilam, Kurdistan and Kermanshah) A Qualitative Study, *Sociology of Education*. 10(1): 224-235.



<https://doi.org/10.22034/ijes.2023.560565.1404>



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23221445.1401.15.1.1.0>



Creative Commons: CC BY 4.0



جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

بررسی جامعه‌شناختی پیامدهای نابرابری اجتماعی-اقتصادی بر آموزش و تربیت در استان‌های غرب کشور (ایلام، کردستان و کرمانشاه) یک مطالعه کیفی

فروزان کارخانه^{۱*}، حسن رضا یوسفوند^۲، حسین دهقان^۳

۱. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

۲. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۳. گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

✦ ایمیل نویسنده مسئول: fkarkhaneh@pnu.ac.ir

مقاله تحقیقاتی

چکیده

دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۶
پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۳۰
انتشار: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲

هدف: هدف اصلی این مقاله بررسی پیامدهای نابرابری آموزشی در منطقه غرب کشور استان‌های کردستان، کرمانشاه و ایلام است.

روش‌شناسی: پدیدارشناسی بر پارادایم تفسیری است لذا در این حالت نگاه به پدیده‌ها نگاهی معانگرس و موشکافانه است. دنبال کردن این وجه تفسیری، طریقی برای اکتساب آگاهی عمیق، از طریق کشف معانی، اهداف، دیدگاه‌ها و منطق نهفته است پژوهش با روش کیفی صورت گرفته است. مصاحبه‌ها به صورت هدفمند و هر مصاحبه به صورت تقریبی ۴۵ دقیقه طول کشید با توجه به شیوع ویروس کرونا در کشور و قرنطینه بودن افراد مصاحبه‌ها تلفنی انجام شد. متن مصاحبه هر فرد نوشته شده و دوباره برای مصاحبه شونده فرستاده شد که ایشان میزان سقم و درستی متن را تأیید کند. با این روش اعتبار مصاحبه‌ها بدست آمده است جمع‌بندی اطلاعات مصاحبه به تحلیل محتوای مضمونی تبیین پدیده نابرابری اجتماعی و اقتصادی و آموزشی در استان‌های هدف پرداخته شد. نمونه‌گیری هدفمند حجم نمونه مصاحبه با بیست نفر از افراد مطلع و صاحب‌نظران در منطقه مورد پژوهش تا رسیدن به اشباع نظری است. مشارکت کنندگان در پژوهش حاضر بیست نفر از افراد شاغل در، سه استان کردستان، کرمانشاه و ایلام که ۱۱ نفر مرد و ۹ نفر زن بودند مشارکت کنندگان اساتید دانشگاه و دبیران آموزش و پرورش همچنین کارکنان بهداشت و درمان بودند.

یافته‌ها: کاهش عوامل موثر بر ایجاد نابرابری اجتماعی در آموزش می‌تواند زمینه‌ساز رشد شاخص‌های مختلف در یک جامعه باشد. نابرابری آموزشی تأثیرات منفی بر وضعیت‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی یک کشور دارد. برداشتن عوامل موثر در ایجاد نابرابری اجتماعی در آموزش از جمله، فاصله طبقاتی، نگاه جنسیتی، عدم وجود نیروی کارآمد انسانی و منابع و تجهیزات کافی منجر به ایجاد روند رو به رشد و شکوفایی در جامعه می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری: آموزش و پرورش رکن اساسی توسعه است، علاوه برآنکه فرصتی فراهم می‌آورد تا افراد توانایی‌ها و استعدادهای خویش را پرورش دهند، دارای آثار و فواید اجتماعی و اقتصادی می‌باشد.

واژگان کلیدی:

نابرابری اجتماعی، نابرابری آموزشی، فاصله طبقات، تجهیزات و امکانات، توزیع عادلانه منابع مالی.

استناد مقاله:

کارخانه ف، یوسفوند ح، دهقان ح. (۱۴۰۳). بررسی جامعه‌شناختی پیامدهای نابرابری اجتماعی-اقتصادی بر آموزش و تربیت در استان‌های غرب کشور (ایلام، کردستان و کرمانشاه) یک مطالعه کیفی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. ۱۰(۱): ۲۳۵-۲۲۴.



<https://doi.org/10.22034/ijes.2023.560565.1404>



<https://dori.net/dor/20.1001.1.23221445.1401.15.1.1.0>



Creative Commons: CC BY 4.0

مقدمه

امروزه بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین بخش مولد هر جامعه، بخش آموزش است و چنانچه کشوری از توجه به این نظام و کوشش در راه بهبود آن چشم‌پوشی کند، از رقیبان جهانی عقب خواهد ماند؛ زیرا اولاً نظام آموزشی در جهان معاصر معطوف و متکی به توانا ساختن انسان‌ها برای استفاده از تکنولوژی نوین در جهت توسعه است و ثانیاً، نیروی کار هر چه بیشتر و بهتر آموزش دیده باشد، شانس اشتغال بیشتری داشته و از این لحاظ برای اقتصاد جامعه مفیدتر است. مسئله‌ای که امروزه همه کشورهای جهان اعم از توسعه یافته و یا در حال توسعه با آن دست‌گیران هستند، مسئله تقاضای فزاینده برای خدمات آموزشی است. تحصیلات روز به روز بیشتر به صورت عامل تعیین‌کنندهٔ پست‌ها، افزایش درآمد و ارتقاء طبقه اجتماعی درآمده است (Fazel, Miri, 2008).

تاریخچه نابرابری نشان می‌دهد در حالی که برخی از سطوح نابرابری همیشه یک واقعیت در جامعه بوده است، درجه نابرابری در طول زمان تغییر کرده است و این در نتیجه نیروهای اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی، سیاسی و غیره است (Kinsley, El et al., 2021). در نابرابری اقتصادی امکانات کاری و درآمد اهمیت دارند و در نابرابری اجتماعی، موقعیت‌های اجتماعی، دسترسی یکسان به موقعیت‌های اجتماعی از جمله آموزش و پرورش، بهداشت، مسکن و دیگر خدمات اجتماعی و در دسترس بودن موقعیت کار و شغل اهمیت دارند (Kamali, 2008). نابرابری در یک جامعه زمانی رخ می‌نماید که افراد مختلف جامعه میزان متفاوتی از پول (درآمد یا ثروت سالانه) قدرت و منزلت را در اختیار داشته باشند (James Krone, 2011).

اگرچه اهمیت نابرابری درآمد بیشتر از نابرابری شرایط تحصیلی است و آخری عموماً از اولی سرچشمه می‌گیرد. اما اهمیت نابرابری شرایط تحصیلی در آن است که بر روی تداوم و تعمیق نابرابری مانند یک «سیکل» تاثیر می‌گذارد. نیاز به آموزش از دو منشاء سرچشمه می‌گیرد: از افزایش جمعیت و از پرورش نیاز. اما شاید بیش از افزایش جمعیت، در بوجود آمدن نیاز به آموزش، اقدامات دیگر است که از آن طریق ما خود در مردم این نیاز را بوجود آورده‌ایم که آنها به طرف آموزش بروند. نیاز به آموزش در پی نیاز به ارتقاء یا در شرایط ایران «ولع ارتقاء» بوجود می‌آید. یک علت اساسی نیاز به آموزش در ایران کنونی، ولع ارتقاء افراد به موقعیت‌های بالاتر و با ارزش‌تر اجتماعی است. مردم اکثراً می‌خواهند که بچه‌هایشان «دکتر/مهندس» شوند و خود نیز از طرق گوناگون به مدرک بالاتری دست یابند. ولع ارتقاء در جوامعی بوجود می‌آید که در آن اولاً: تفاوت بین فقیر و ثروتمند (یعنی نابرابری اجتماعی) زیاد باشد ثانیاً مردم قشر بالا را بپذیرند و بخواهند مثل آنها شوند. یکی از عوامل مهم از نظر مردم، «تحصیلات» یا به عبارت دقیق‌تر، نه خود تحصیلات، بلکه مدرک تحصیلی می‌باشد. نابرابری نه فقط نیاز به آموزش را بیشتر خواهد کرد، بلکه انواع مسائل دیگر را در پی خواهد داشت (Rafipour, 2008).

نابرابری آموزشی در کشور را از دو جنبه می‌توان مورد بررسی قرار داد. اول جنبه کمی؛ مربوط به انواع مختلف امکانات اقتصادی و انسانی، فضای های آموزشی است. دوم جنبه کیفی؛ مربوط به محتوا (دروس و برنامه‌ها)، کیفیت نظام آموزشی، نظام مدیریتی و نیروی انسانی است. در استان‌های غرب کشور مردم به سه شیوه سکونت‌شهرنشینی، روستانشینی و ایلات و عشایر زندگی می‌کنند. نیازها متفاوت و در جاهایی با کاستی‌هایی مواجه هستند. در مناطق روستایی و عشایری مشکلات آموزشی و امکانات و تجهیزات آموزشی، فرهنگی و معلم وجود دارد. در استان‌های مرزی کلاس‌های با چند پایه به خاطر کمبود نیرو و امکانات تشکیل می‌شود.

تعریف مفاهیم؛ ۱. نابرابری دانش و سرمایه انسانی: از جمله عوامل مؤثر بر بهره‌وری نیروی کار و مزیت رقابتی، نماگرهای دانش و سرمایه انسانی هست (Baldwin et al, 2001). با ترکیب نظریات رشد درون‌زا و مدل مکان‌گزینی درون‌زا^۱، سرریزهای دانش در مناطق با توسعه منطقه‌ای، تمرکز درآمد را بیشتر کرده و فرصت‌های بیشتری برای بنگاه‌های داخلی ایجاد می‌کند تا از سرریزهای دانش بهره‌مند شوند. همچنین، رشد دانش و نرخ بالاتر باسوادی در میان نیروی کار ماهر و سهم بالاتر شاغلین با تحصیلات عالی، عاملی مؤثر بر بهره‌وری نیروی کار، رشد درآمد و رشد اقتصادی است. از این رو، نرخ باسوادی به همراه نماگرهای ضریب پوشش ظاهری تحصیلی و سطح مهارت و دانش نیروی کار، از متغیرهای مهم سنجش سطح توسعه انسانی لحاظ می‌شوند (Brasili, Bruno, 2012).

طبق ماده ۵۲ برنامه چهارم توسعه، دولت موظف است به منظور تضمین دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی به ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته، گسترش دانش، مهارت و ارتقاء بهره‌وری سرمایه‌های انسانی به ویژه برای دختران و توسعه کمی و کیفی آموزش عمومی آن دسته از اقدام‌های ذیل که جنبه قانون‌گذاری ندارد را به انجام برساند:

¹ -Endogenous Location Model

الف. توسعه زمینه‌های لازم برای اجرای برنامه آموزش برای همه.

ب. اجباری کردن آموزش تا پایان دوره راهنمایی، به تناسب تأمین امکانات و به تدریج در مناطقی که آموزش و پرورش اعلام می‌کند به طوری که در پایان برنامه چهارم این امر محقق گردد.

هـ. ارتقاء توانایی و مهارت حرفه‌ای معلمان، با تدوین استانداردهای حرفه‌ای معلم، از جهت دانش، رفتار و عملکرد با استفاده از تجارب بین‌المللی و شرایط بومی کشور.

و. افزایش انگیزه شغلی معلمان با تأمین جایگاه و منزلت حرفه‌ای مناسب و اصلاح نظام پرداخت متناسب با میزان بهره‌وری و کیفیت خدمات آنها (Expediency (Recognition Council, approval date 2010/ 10/25).

اعتراض‌های معلمان برای درست اجرا نشدن سطح رتبه‌بندی و همسان سازی حقوق‌ها و افزایش کودکان جامانده از تحصیل حکایت از این است که برنامه به صورت اصولی اجرا نشده است.

۲. تراکم سرمایه فرهنگی: اگر یک جامعه بخواهد به حیات خود ادامه دهد در آن انتقال فرهنگی صورت گیرد آموزش و پرورش با انتقال میراث فرهنگی از نسلی به نسل بعد به تدام فرهنگ آن جامعه کمک می‌کند (Bruce Coen, 2014). سرمایه فرهنگی معادل اطلاعات، مهارت، دانش و شناخت تلقی می‌شود. در منابع گاهی از آن به عنوان سرمایه انسانی نیز یاد می‌کنند. در قرن اخیر، بویژه نیمه دوم آن، شاهد بسط و گسترش آموزش رسمی در سرتاسر جهان بوده‌ایم، تا جایی که هم اکنون در اغلب کشورهای جهان آموزش رسمی تا مقطعی خاص رایگان است. این گسترش تا حدودی ناشی از مقتضیات فنی و اقتصادی است، به طوری که امروزه در اغلب معادلات اقتصادی مربوط به تولید و معادلات اجتماعی مربوط به کیفیت زندگی، برای سرمایه فرهنگی جای مستقلی قائل می‌شوند. سرمایه، با توجه به اهمیت روزافزون آن در جامعه لازم است به عنوان یک منبع جداگانه مورد توجه قرار گیرد. توزیع‌های نابرابر ثروت مادی، قدرت سیاسی، منزلت اجتماعی و سرمایه فرهنگی در مواضع، ابعاد چهارگانه نابرابری موضعی را تشکیل می‌دهند (Chalabi, 2015).

۳. همبستگی اجتماعی: آموزش رسمی راه‌های تبدیل جمعیتی مرکب از گروه‌های قومی با سوابق فرهنگی مختلف را به اجتماعی از افرادی که تا حدی هویت ملی مشترکی پیدا می‌کنند فراهم می‌سازد. وقتی دانش‌آموزان و دانشجویان گروه‌های متعلق به اقوام و ادیان مختلف در یک کشور در کلاس درس خود تاریخ ملی و زبان و ادبیات و فرهنگ مشترکی را فرا می‌گیرند، ایجاد هویت مشترک آسانتر می‌شود. در نتیجه جامعه دارای سنتها، ارزشها، هنجارها، باورها و نگرشهای مشترکی می‌شوند و به نوعی همبستگی ملی تقویت می‌شود (Bruce Coen, 2014).

پیتر بوردیو؛ معمولاً از چهار نوع سرمایه صحبت می‌کند. البته این عقیده از حوزه اقتصاد گرفته می‌شود و معنی سرمایه‌ی اقتصادی آشکار است. سرمایه فرهنگی شامل انواع گوناگون دانش و شناخت مشروع است؛ سرمایه‌ی اجتماعی در برگزیده‌ی روابط اجتماعی ارزشمند بین مردم است؛ سرمایه نمادین از شأن و وجهه‌ی فرد سرچشمه می‌گیرد. بوردیو دولت را به عنوان مکان کشمکش بر سر انحصار آنچه او خشونت نمادین می‌نامد، می‌داند این نوع خشونت شکل ملایمی از خشونت است چون در اعمال آن خود عاملی که بر علیه او خشونت اعمال می‌شود، همدستی می‌کند. خشونت نمادین به صورت غیر مستقیم و بیش‌تر از طریق ساز و کارهای فرهنگی اعمال می‌شود. نظام آموزشی نهاد اصلی‌ای است که از طریق آن خشونت نمادین بر مردم اعمال می‌شوند. زبان، معنی‌ها و نظام نمادین افراد موجود در رأس قدرت بر بقیه افراد جامعه تحمیل می‌شود. بوردیو فرهنگ را به عنوان نوعی اقتصاد یا بازار در نظر می‌گیرد. در این سرمایه تا حد زیادی از خاستگاه‌های طبقه اجتماعی مردم و تجربه‌ی آموزشی آنها سرچشمه می‌گیرد. براساس نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو، تأثیر خاستگاه اجتماعی خانواده بر موفقیت تحصیلی فرزند ناشی از نوع و میزان منابع فرهنگی است که والدین برای فرزند خود فراهم می‌کنند: (Ritzer; 2010). جیمز کلمن؛ مطالعه کلمن تحت عنوان «برابری فرصتهای آموزشی» بیشتر جنبه کاربردی و سیاست‌گذاری دارد دلیل انجام این مطالعه آن بود که برخی از افراد به فقدان فرصتهای آموزشی برابر (به علت وجود نژاد، رنگ، مذهب مختلف) معترض بودند در پژوهشی، کلمن نشان داد که ویژگی‌های مدارس سیاهان و سفیدپوستان برابر و یکسان است و اینکه تسهیلات مدرسه اثر نسبتاً کمی بر موفقیت دانش‌آموزان دارد. نتیجه قابل توجه پژوهش این بود که در تبیین تفاوت‌ها در موفقیت‌های تحصیلی دانش‌آموزان، خاستگاه خانوادگی به مراتب مهم‌تر از ویژگی‌های مدرسه است به عبارت دیگر خانواده بیش از مدرسه مسئول افت و ناتوانی تحصیلی دانش‌آموزان است. پژوهش کلمن در مورد مسأله نابرابری فرصتهای آموزشی او را به این سو سوق داد که بین اندیشه منفعل برابری فرصتها و اندیشه فعال برابری نتایج، تمایز قاطعی برقرار سازد آنچه مهم است مشارکت فعالانه مدرسه در تأمین برابری نتایج برای گروه‌های اجتماعی مختلف است (Sharapur, 2004; Ritzer; 2010).

بولز و جنتیس؛ نظام آموزشی، نابرابری‌های طبقاتی موجود در جامعه را تقویت می‌کند و با رد فرضیه شایسته‌سالاری در جامعه معتقد نیستند که مدرسه به گزینش افراد مستعد می‌پردازد. بلکه بر این باورند که مدرسه مردم را قانع می‌کند که گزینش صورت گرفته مبتنی بر شایسته‌سالاری است پس مدرسه نهادی است که نابرابری‌های موجود طبقات اجتماعی را بازتولید کرده و مشروعیت می‌بخشد و آموزش و پرورش رسمی همیشه نقش عامل کنترل را بازی

کرده است. مدرسه از دو طریق به بازتولید نابرابری اجتماعی می‌پردازد. الف) مدرسه، دانش‌آموزان را برای مشارکت در محیط کار آماده می‌سازد و ویژگی اصلی محیط کار، وجود روابط قدرت است که دارای نظم و سازماندهی اداری است و تا حدودی براساس شایستگی رسمی طبقه بندی شده است. محیط کار اطاعت بی‌چون و چرا را تشویق نموده و نوآوری را سرکوب می‌کند دانش‌آموزان با نظامی آشنا شده و در آن جامعه‌پذیر می‌شوند که تشابه و تطابق زیادی با دنیای کار دارد. ب) افرادی که دارای خاستگاه‌های اجتماعی متفاوتی هستند به دو گونه مختلف آماده می‌شوند اول اینکه؛ آنهایی که از قشرهای اجتماعی بالاترند، دسترسی بهتری به مدارس دارند. دوم اینکه؛ این مدرسه است که دانش‌آموزان را انتخاب کرده به آنها جهت می‌دهد مدرسه این کار را براساس آزمون‌هایی نظیر تست هوش که دارای تورش و جانبداری فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هستند انجام می‌دهند، این دو فرآیند آینده‌مناهی برای تمام کسانی که از یک خاستگاه طبقه‌ای مشترکی برخوردارند تضمین می‌کند (Sharapur, 2004).

چارچوب مفهومی: براساس پارادایم کارکردگرایی، نهادهای اجتماعی به این علت توسعه می‌یابند که یک یا چند نیاز اساسی جامعه را برآورده می‌سازند. نهاد آموزش و پرورش در جامعه جدید چند کارکرد اساسی دارد: انتقال فرهنگی؛ همبستگی اجتماعی؛ انتخاب استعدادها برتر و ایجاد رقابت برای بروز استعدادها، ارتقا و رشد فردی؛ اشاعه، حفظ و تولید دانش است (Bruce Coen, 2014).

پارادایم انتقادی تفسیر متفاوتی از آموزش و پرورش و رابطه آن با جامعه، ارائه می‌دهد این پارادایم معتقد است که مدرسه رابطه نزدیکی با جامعه دارد اما بر این باور است که مدرسه بیش‌تر با تقاضای سرآمدان جامعه رابطه دارد تا با نیازهای کل آن. بعلاوه این پارادایم بیش‌تر بر ارتباط بین آموزش و پرورش رسمی و آموزش مطیع بودن تأکید دارد تا بر کسب مهارت‌های شناختی نابرابری‌های موجود را تقویت می‌کند و نگرش خاصی در افراد به وجود می‌آورد تا وضع موجود خود را بپذیرا باشند. پارادایم کارکردگرایی مدرسه را ساز و کاری مؤثر برای تمایز و تخصص افراد مستعد و ابزاری برای ایجاد مهارت‌های شناختی می‌داند (Sharapur, 2004). گسترش آموزش و پرورش همواره با آرمان‌های دموکراسی همگانی پیوند نزدیک داشته است. بدیهی است، اصلاح‌گران آموزش و پرورش را به خاطر خود آن ارج می‌نهند، به خاطر فرصتی که برای افراد فراهم می‌آورد تا توانایی‌ها و استعدادها را پرورش دهند و وسیله‌ای برای برابری سازی است آموزش و پرورش همگانی با آموختن مهارت‌ها به افراد جوان و با استعداد به منظور توانا ساختن آنها به یافتن جایگاه ارزشمندی در جامعه، به کاهش نابرابری‌های ثروت و قدرت کمک می‌کند. تا چه اندازه این پدیده تحقق یافته است؟ روش‌های جامعه‌شناختی بسیاری برای پاسخ به این پرسش ایجاد گردیده‌اند نتایج آن روشن است: آموزش و پرورش بیش‌تر به بیان و تأکید مجدد نابرابری‌های موجود گرایش دارد تا تغییر آنها (Giddens, 2010). به اعتقاد بوردیو و برنشتاین منبع نابرابری در جامعه بیش‌تر ماهیت فرهنگی دارد تا اقتصادی و فاصله بین فرهنگ مدرسه و خاستگاه اجتماعی-اقتصادی دانش‌آموز، عامل مهمی در تعیین موقعیت دانش‌آموز در نظام آموزشی محسوب می‌شود. اما برنشتاین بیش‌تر مسأله انتقال قدرت در چهارچوب آموزش و پرورش صورت می‌گیرد، پرداخته است. بوردیو از مفهوم کلیدی خشونت نمادین استفاده می‌کند یعنی طبقات مختلف در دوره‌های مختلف تاریخی از طریق تسهیل معانی و مفاهیم خاص در افکار و ارتباطات، به اعمال قدرت می‌پردازد. با کنترل آموزش و پرورش، طبقات مختلف بازتولید فرهنگ خاص خویش را تضمین می‌کنند بنابراین فرهنگی که مدرسه منتقل می‌کند میراث محسوب می‌شود. بوردیو معتقد است باز تولید فرهنگی (ناشی از آموزش و پرورش) یکی از مهم‌ترین راه‌هایی است که از آن طریق، ساختار طبقاتی بازتولید می‌شود و به عبارت دیگر باز تولید اجتماعی از طریق نهادهای آموزش صورت می‌گیرد به همین جهت او معتقد است نظام آموزش راه‌حلی است که تاریخ برای مسأله انتقال قدرت پیدا کرده است (Sharapur; 2004:85-87). پیشینه پژوهش: ۱. (Abdullah Zadeh, 2021) به بررسی جزئیات پژوهشی با هدف بازتولید نابرابری آموزشی در دوران شیوع کرونا انجام داده و نتایج حاصل نشان از طبقاتی شدن آموزش و بازتولید نابرابری آموزشی دارد در شرایط شیوع کرونا، چالش‌های تسلط فضای مجازی بر آموزش و عدم دسترسی همه دانش‌آموزان به آن، کم رنگ شدن آموزش و کاهش کارکردهای آموزشی مدارس و فقر خانواده‌های مناطق پایین شهر و حاشیه سبب ایجاد زمینه‌ی نابرابری آموزشی شده است.

۲. (Ghasemi et al. 2019) پژوهشی با هدف تأثیر پس زمینه اجتماعی بر پذیرش در دانشگاه و سپس بر موقعیت شغلی افراد، در صدد بررسی نقش میانجی‌گری قشربندی آموزش عالی در بازتولید نابرابری‌های اجتماعی در بازار کار است. نتایج نشان دادند بین جایگاه فرد در نظام آموزش عالی و موقعیت شغلی او رابطه وجود دارد و سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی خانواده بر نوع قبولی فرد در دانشگاه تأثیر مثبت دارد؛ یعنی افرادی که دارای سرمایه‌های خانوادگی بالاتر، جایگاه بالاتری در نظام آموزش عالی داشته‌اند و نابرابری‌های اجتماعی از طریق نظام آموزشی بازتولید می‌شوند.

۳. (Engels, et al. 2019)، در پژوهشی با عنوان «پیامدهای نابرابری سلامت از یک مطالعه کیفی از تجربیات نشان فقر در اسکاتلند» پرداخته و هدف این مطالعه شناسایی جنبه‌هایی از نشان فقر است که بخصوص برای افرادی که با تجربه فقر زندگی می‌کنند، بارز بوده و در نتیجه می‌توانند به نابرابری‌های سلامتی بی‌انجام اند.

۴. (Janice, et al. 2022) در اتیوپی، اصلاحات سیاستی عمده برای افزایش دسترسی عادلانه به آموزش پیش دبستانی در سال ۲۰۱۰ آغاز شد که منجر به افزایش ثبت نام پیش دبستانی شد. این مقاله تأثیرات گسترش را بر افرادی که به آموزش پیش دبستانی دسترسی پیدا می‌کنند و بر آمادگی برای مدرسه ابتدایی بررسی می‌کند. ما متوجه شدیم که نابرابری در دسترسی پیش دبستانی بین مناطق دارای مزیت و برخوردار و محروم کشور پس از اصلاحات ادامه دارد و دختران کمتر به مدرسه می‌روند، به ویژه در مناطق محروم تر. بیش از نیمی از کودکانی که در کلاس‌های پیش دبستانی ثبت نام کرده اند زیر سن رسمی ۶ سال هستند. کودکانی که دارای پیشینه‌های برتر هستند (آنهایی که والدینشان باسواد هستند، مواد خواندنی دارند و در مناطق شهری زندگی می‌کنند) احتمال بیشتری دارد که قبل و بعد از اصلاحات در مدارس پیش دبستانی شرکت کنند. با این حال، آموزش پیش دبستانی می‌تواند در برابر کردن فرصت‌ها در مدرسه ابتدایی نقش داشته باشد: ما دریافتیم که مشارکت پیش دبستانی با مهارت‌های خواندن کودکان در کلاس‌های ۲ و ۳ دبستان پس از گسترش رابطه مثبت دارد. این یافته‌ها نیاز به تمرکز توجه سیاست‌ها را بر تلاش‌ها برای کاهش موانع دسترسی پیش از دبستان برای کودکان در شرایط نامساعد نشان می‌دهد.

۵. (Anna Coral-Abus et al. 2021) در مقاله‌ای با عنوان « پیامدهای نوع مدرسه برای رفت و آمد فعال به مدرسه ابتدایی دانش آموزان، آموزش و پرورش » انتخاب مدرسه پیامدهایی برای رفت و آمد به مدرسه دارد این امکان را به دانش آموزان می‌دهد در مدارس تحصیلی کنند که از محل سکونتشان دورتر از مدارس محله‌شان است. هدف مطالعه پیامدهای انتخاب مدرسه (به‌عنوان مثال، خصوصی یا عمومی) برای رفت و آمد فعال به مدرسه بود. تفاوت در نگرش والدین، وضعیت اجتماعی-اقتصادی و انتشار گاز دی اکسید کربن CO₂ با توجه به نوع مدرسه و فاصله مدرسه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تأثیر فاصله، نگرش والدین، و وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده، بر اساس نوع مدرسه نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. همه دانش آموزان ۹ تا ۱۱ ساله، از یازده مدرسه ابتدایی دولتی یا خصوصی در هوئسکا (اسپانیا)، و والدین آنها (یعنی مادر و پدر، به طور جداگانه)، در این مطالعه شرکت کردند. نتایج تفاوت‌هایی را بین دانش آموزانی که از فاصله بیشتری از محل زندگی دارند و در مدارس دولتی و خصوصی تحصیل می‌کنند، نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد تأثیرات انتخاب مدرسه بر دفعات هفتگی رفتار بیشتر به ارتباط آن با مسافت رفت و آمد و نگرش مادران در دانش آموزانی که در مدارس دولتی حضور دارند ارتباط دارد. در حالی که برای مدارس خصوصی، مدل نهایی نشان داد تأثیر فاصله، نگرش مادر و جنسیت بر فراوانی هفتگی تأثیر دارد، که چگونه انتخاب مدرسه می‌تواند بر نحوه رفت و آمد به مدرسه و برخی متغیرهای مرتبط دیگر مانند فاصله، نگرش مادران و انتشار گاز دی اکسید کربن (CO₂) تأثیر بگذارد. هدف اصلی این مقاله بررسی پیامدهای نابرابری آموزشی در منطقه غرب کشور استان‌های کردستان، کرمانشاه و ایلام است. سوال اصلی پژوهش: آیا نابرابری آموزشی در جامعه هدف وجود دارد یا نه؟

روش شناسی

پدیدار شناسی بر پارادایم تفسیری است لذا در این حالت نگاه به پدیده‌ها نگاهی معناتر و موشکافانه است. دنبال کردن این وجهه تفسیری، طریقی برای اکتساب آگاهی عمیق، از طریق کشف معانی، اهداف، دیدگاه‌ها و منطق نهفته است (Khanifar and Muslimi, 2018). در پژوهش‌های اجتماعی آنچه که پژوهشگر را در انتخاب صحیح روش پژوهش یاری می‌کند، ماهیت سؤالات پژوهش است. روش تحقیق کیفی به طور عام و در این تحقیق تحلیل محتوا به طور خاص، در بخش مطالعات کیفی، بستر مناسبی را برای فهم لایه‌های عمیق موضوع مورد مطالعه فراهم می‌کند. مصاحبه یکی از مهمترین روش‌های جمع آوری اطلاعات در روش کیفی می‌باشد. مصاحبه‌ها به صورت هدفمند و مصاحبه منظم و عمیق مردم نگارانه انجام شده است. هر مصاحبه به صورت تقریبی ۴۵ دقیقه طول کشید با توجه به شیوع ویروس کرونا در کشور و قرنطینه بودن افراد مصاحبه‌ها تلفنی انجام شد. متن مصاحبه هر فرد نوشته شده و دوباره برای مصاحبه شونده فرستاده شد که ایشان میزان سقم و درستی متن را تأیید کند. با این روش اعتبار مصاحبه‌ها بدست آمده است. پس از جمع‌بندی اطلاعات مصاحبه به تحلیل محتوای مضمونی تبیین پدیده نابرابری اجتماعی و اقتصادی و آموزش در استان‌های هدف پرداخته شد. اعتبار و روایی تحقیق: در تحقیقات کیفی، هدف محقق کشف معانی درونی رفتارهای اجتماعی افراد و ارایه تفسیر از این رفتارها است بنابراین خود کنشگران بهترین ملاک برای صدق یا کذب استنباط محقق از معنی رفتار آن‌ها هستند. لذا اعتبار و درستی استنباط را می‌توان با کمک آن و همچنین اعتبار محتوای تبیین کرد نمونه گیری هدفمند حجم نمونه مصاحبه با بیست نفر از افراد مطلع و صاحب نظران در منطقه مورد پژوهش تا رسیدن به اشباع نظری است. مشارکت کنندگان در پژوهش حاضر بیست نفر از افراد شاغل در، سه استان کردستان، کرمانشاه و ایلام که ۱۱ نفر مرد و ۹ نفر زن بودند مشارکت کنندگان اساتید دانشگاه، دبیران آموزش و پرورش و همچنین کارکنان بهداشت و درمان بودند. زمان هر مصاحبه به طور میانگین ۴۰ الی ۵۰ دقیقه به طول انجامید. سؤالات محوری در روند انجام که ادراک و نظر خود را آزادانه بیان کند.

یافته‌ها

جدول ۱. پیامد نابرابری آموزشی، مفاهیم و مقولات اولیه و ثانویه استخراج شده از مصاحبه‌ها

مفاهیم	مقوله‌های اولیه	مقوله‌های ثانویه	مقوله هسته‌ای
یکی از نابرابری‌های اجتماعی در بحث آموزش و فرهنگ است اینکه کسانی که در مرکز و پایتخت هستند آزمایشگاه‌های پر و پیمان‌تر، کتابخانه‌های با قفسه‌های پر و سالن‌های ورزشی و باشگاه‌های کامل و سالن‌های کامپیوتر و نرم افزار و سالن‌های کنفرانس و گالری از پوستره‌های علمی و آماری و... حمایت‌های مختلف از دانش‌آموزان و دانشجویان ولی در آموزشگاه‌های حاشیه کشور و استان‌ها محدودتر و آبادی‌ها کمتر و کمتر است در این صورت فقر و نابرابری فرهنگ و آموزش شکل می‌گیرد. چون دسترسی محدود بوده خواه ناخواه فقر و نابرابری اجتماعی شکل می‌گیرد.	کمبود امکانات آموزشی، باشگاه‌های ورزشی	فقر، محدودیت دسترسی به امکانات	
خانواده‌ای که می‌تواند فرزندش را در مدرسه بهتر ثبت نام کند و خانواده‌ای که نمی‌تواند این کار را کند یک نوع نابرابری است مسئله کتاب، وسایل ورزشی، کلاس‌های فوق برنامه و نوع آموزش و تحصیل با کیفیت که توی مدرسه با کیفیت است با نوع آموزشی که در مدرسه معمولی و سطح پایین‌تری است در کنکور ما داریم مشاهده می‌کنیم دانش‌آموزانی هستند که سال‌ها درگیر کلاس و معلم خصوصی‌اند اینها نتیجه بهتری می‌گیرند نسبت به دانش‌آموزی که رنگ کتاب کنکوری هم به چشم ندیده است. در دانشگاه‌ها هم این مسئله مشهود و دانشجویانی که با بی‌پولی وارد دانشگاه می‌شوند و برای ادامه تحصیل مجبوراند کار کنند و این کار کردن می‌تواند به تحصیل و هدفش ضربه بزنه اما مجبورند در کنارش کار کنند و حتی تحصیل‌شان به طول بکشد اما دانشجویانی که مشکل مالی ندارند نمره خوبی بگیرند این موضوع قطعیت ندارد اما بی‌تأثیر هم نیست.	درآمد خانواده، مدرسه با کیفیت، کتاب کلاسهای خصوصی	کارکردن دانش‌آموزان و دانشجویان کم درآمد در زمان تحصیل	
نابرابری و فقر حتی در فراغت، ورزش جوانان، تفریح و مسافرت مؤثر است در خانواده‌های مرفه همه این عوامل اتفاق می‌افتد اما در خانواده‌های فقیر حتی ممکن یک مسافرت هم نتوانند برن و حتی یک شام هم برن بیرون و حتی نیازهای بچه‌ها را فراهم کنند.	فراغت و ورزش جوانان	خانواده‌های مرفه	
نابرابری‌های آموزشی و عدالت آموزشی همانند دو روی یک سکه هستند که واقعیتی به نام میزان دسترسی دانش‌آموزان از طبقات، نژادها و فرهنگ‌های متفاوت را به تحصیل تعریف می‌کنند در واقع افزایش هر روی سکه موجب کاهش روی دیگر آن خواهد شد. چنانچه جامعه‌ای بخواهد در جهت بسط عدالت آموزشی حرکت کند ناگزیر است نابرابری در دسترسی به فرصت‌های آموزشی را کاهش دهد.	عدالت آموزشی	دسترسی به فرصت-های آموزشی	
تقسیم مدارس به دولتی و غیرانتفاعی یکی از مصادیق نابرابری اجتماعی در ایران است، عواقب این تقسیم بندی ناعادلانه در درازمدت قابل مشاهده است، مدارس استعدادهای درخشان با هدف نخبه‌پروری آسیب‌های جدی بر پیکره فرهنگ و هویت فرهنگی نسل پیش رو وارد می‌کند از طرفی مدارس دولتی نیز با کمبود و کیفیت معلم و امکانات و فضاهای آموزشی ناکافی، به نابرابری آموزشی دامن می‌زنند.	تقسیم بندی مدارس کمبود معلم و فضای آموزشی ناکافی	آسیب‌های جدی به فرهنگ و هویت فرهنگی	
برای مثال همین شبکه شاد که برای آموزش به کودکان دبستانی راه افتاده، در دسترس همه دانش‌آموزان نیست.	شبکه شاد	دسترسی نداشتن تمام دانش‌آموزان	
کمبود درآمد خانواده‌ها، در اولویت نبودن آموزش در برخی خانواده‌ها، وجود حاشیه شهر زیاد، درآمد ناکافی، هزینه زیاد زندگی، ترک تحصیل دانش‌آموزان فقیر، افزایش کودکان کار، نبود کارایی درس و تحصیل در زندگی خانواده‌های فقیر، هزینه زیاد خرید			

وسایل مدرسه، ناتوانی در خرید موبایل و تبلت، عدم دسترسی به اینترنت، کم توجهی مدارس به آموزش مجازی در مناطق حاشیه و فقیر شهری، فقر فرهنگی و فقر اقتصادی خانواده‌ها	ترک تحصیل دانش آموزان	فقر خانواده‌ها و آسیب‌های آموزشی ناشی از آن
نابرابری اجتماعی در جامعه باشد قطعاً همه از آموزش خوب و یکسانی برخوردار نخواهند بود در نتیجه سطح یادگیری هم پایین می‌آید. عدم دسترسی برخی از دانش آموزان به اینترنت و نبود امکانات آموزش مجازی و کم رنگ شدن آموزش مدرسه‌ای.	اینترنت	نبود امکانات آموزش مجازی

کاهش عوامل موثر بر ایجاد نابرابری اجتماعی در آموزش می‌تواند زمینه‌ساز رشد شاخص‌های مختلف در یک جامعه باشد. نابرابری آموزشی تأثیرات منفی بر وضعیت‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی یک کشور دارد. توزیع عادلانه شاخص‌های آموزشی و برخورداری از یک آموزش برابر در جامعه، شکاف عمیق آموزشی در جامعه را از میان بر می‌دارد. برداشتن عوامل موثر در ایجاد نابرابری اجتماعی در آموزش از جمله، فاصله طبقاتی، نگاه جنسیتی، عدم وجود نیروی کارآمد انسانی و منابع و تجهیزات کافی منجر به ایجاد روند رو به رشد و شکوفایی در جامعه می‌گردد (Qassimi, Abdolazadeh and Kolman, Bourdieu).

۱. تسهیل امکانات و تجهیزات:

کمبود تجهیزات و امکانات از عوامل مهم و موثر در ایجاد نابرابری اجتماعی در آموزش است دستیابی به فرصت‌های آموزشی در سایه وجود تجهیزات مبتنی بر تکنولوژی و روزآمد می‌تواند در ایجاد انگیزه یادگیرندگان، بعنوان مهم‌ترین عامل محرک یادگیری تأثیرگذار باشد مادامی که عدم تجهیزات مناسب و امکانات آموزشی لازم می‌تواند، در ایجاد شکاف آموزشی و اجتماعی، همچنین عدم کارایی آموزش و ضعف در نقش یادگیری- یاددهی تأثیر گذار باشد. تجهیزات کافی بعنوان اساس و پایه، همچنین زمینه ساز و بستر مهم در راه‌اندازی فرآیندهای آموزشی باشد. شاید اولین و سطحی‌ترین نیاز، یعنی نیاز به امکانات در امر آموزش باشد که مشهودترین نوع نابرابری اجتماعی در آموزش را بخود اختصاص می‌دهد (Enache ; Goga : 2019).

مصاحبه شونده کد هفتم؛ «یکی از نابرابری‌های اجتماعی در بحث آموزش و فرهنگ است. کسانی که در مرکز و پایتخت هستند آزمایشگاه‌های پر و پیمان‌تر، کتابخانه‌های با قفسه‌های پر و سالن‌های ورزشی و باشگاه‌های کامل و کارگاه‌های کامپیوتر و نرم افزار و سالن‌های کنفرانس و گالری از پوسته‌های علمی و آماري و... حمایت‌های مختلف از دانش‌آموزان و دانشجویان و مراکز آموزشی حاشیه کشور و استان‌ها محدودتر و آبادی‌ها کمتر و کمتر است در این صورت فقر و نابرابری فرهنگ و آموزش شکل می‌گیرد. چون دسترسی محدود بوده خواه ناخواه فقر و نابرابری اجتماعی شکل می‌گیرد».

مصاحبه شونده کد نهم؛ «عدالت آموزشی، دسترسی به فرصت‌های آموزشی تقسیم بندی مدارس، کمبود معلم و فضای آموزشی ناکافی آسیب‌های جدی به فرهنگ و هویت فرهنگی زده است، دسترسی نداشتن همه دانش‌آموزان به شبکه شاد، فقر خانواده‌ها و آسیب‌های آموزشی ناشی از آن ترک تحصیل دانش‌آموزان را در پی داشته است. برای مثال همین شبکه شاد که برای آموزش به کودکان دبستانی راه افتاده، در دسترس همه دانش‌آموزان نیست».

مصاحبه شونده کد بازدهم؛ «نابرابری اجتماعی در جامعه باشد قطعاً همه از آموزش خوب و یکسانی برخوردار نخواهند بود در نتیجه سطح یادگیری هم پایین می‌آید. عدم دسترسی برخی از دانش‌آموزان به اینترنت و نبود امکانات آموزش مجازی».

۲. تخصیص منابع مالی عادلانه: تخصیص منابع عادلانه، ارتباط نزدیکی با افزایش کیفیت آموزش دارد معمولاً تخصیص منابع امری دولتی و برعهده دولت‌مردان است اشتباه و بروز بی‌عدالتی و نابرابری در تخصیص صحیح منابع مالی، باعث کاهش برونداد آموزشی و تضعیف موقعیت اجتماعی می‌شود در صورتی که منابع به درستی و بر اساس شاخص‌های علمی و مطابق با شرایط منطقه‌ای تخصیص شوند، می‌توان تأثیر برابری منابع در امر آموزش را به طور کوتاه مدت تجربه کرد تخصیص عادلانه منابع، یعنی ارائه بودجه و منابع کافی و برابر مالی، بدون سوءگیری‌های سیاسی، قومی، اجتماعی و جنسیتی است وجود منابع مالی کافی و در دسترس و حمایتی در امر آموزش نقش موتور محرکه یک سیستم را ایفا می‌کند (Chamyou, ۲۰۲۰).

مصاحبه شونده کد سیزدهم؛ «کمبود درآمد خانواده‌ها، در اولویت نبودن آموزش در برخی خانواده‌ها، وجود حاشیه شهر زیاد، درآمد ناکافی، هزینه زیاد زندگی، ترک تحصیل دانش‌آموزان فقیر، افزایش کودکان کار، نبود کارایی درس و تحصیل در زندگی خانواده‌های فقیر، هزینه زیاد خرید وسایل مدرسه،

ناتوانی در خرید موبایل و تبلت، عدم دسترسی به اینترنت، کم توجهی مدارس به آموزش مجازی در مناطق حاشیه و فقیر شهری، فقر فرهنگی و فقر اقتصادی خانواده‌ها را به دنبال دارد».

۳. کاهش تضاد طبقاتی: تضاد طبقاتی، وجود فاصله میان اقشار و گروه‌های مختلف جامعه از نقطه نظر اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. شکاف درآمدی، توزیع نابرابر فرصت‌ها، انحصارطلبی، عمیق شدن فواصل میان صاحبان قدرت و قشر ضعیف در سایه تضاد طبقاتی عمیق‌تر می‌گردد. هر چه تضاد طبقاتی کمتر، دسترسی اقشار مختلف بخصوص اقشار کم درآمد و زیر خط فقر به منابع و تسهیلات و تکنولوژی‌های اجتماعی بیشتر خواهد شد. یعنی همه اقشار جامعه از یک فرصت برابر و همسان جهت دستیابی به امر آموزش برخوردار می‌شوند. کاهش تضاد طبقاتی، موجب خواهد شد، که استعدادهای توانمند اما دارای بضاعت مالی کم و جایگاه ضعیف اقتصادی در شرایط همسان و برابری با اقشار با درآمد بالای اقتصادی از امر آموزش بهره ببرند (Eshnaidoro et al., 2018).

مصاحبه شونده نودهم؛ «نابرابری و فقر حتی در آموزش، فراغت، ورزش جوانان، تفریح و مسافرت مؤثر است در خانواده‌های مرفه همه این عوامل اتفاق می‌افتد اما در خانواده‌های فقیر حتی ممکن یک مسافرت هم نتوانند بروند و حتی یک شام هم بروند بیرون و حتی نیازهای بچه‌ها را فراهم کنند.»

۴. تربیت نیروی انسانی متخصص: نیروی انسانی متخصص، رکن اساسی کارآمدی و موتور محرکه سیستم آموزشی است. برخورداری از نیروی‌های متخصص و آموزش دهنده‌گان توانمند و توزیع برابر این نیروها در حوزه‌های مختلف و مناطق گوناگون، موجب فراهم سازی بستر رعایت برابری و عدالت آموزشی می‌گردد. هر چه دامنه‌ی توزیع عادلانه نیروی انسانی متخصص بیشتر، برون ده و پیامدهای آموزشی و رونق سیستم آموزشی بهتر خواهد بود. تمرکز سیستم بر توزیع نیروی انسانی ضعیف و خوب در امر آموزش می‌تواند به شکاف نابرابری اجتماعی در آموزش دامن بزند. (Billion et al, 2018, 47-59).

مصاحبه شونده کد ششم، «نابرابری‌های آموزشی و عدالت آموزشی همانند دو روی یک سکه هستند که واقعیتی به نام میزان دسترسی دانش‌آموزان از طبقات، نژادها و فرهنگ‌های متفاوت را به تحصیل تعریف می‌کنند در واقع افزایش هر روی سکه موجب کاهش روی دیگر آن خواهد شد. چنانچه جامعه‌ای بخواهد در جهت بسط عدالت آموزشی حرکت کند ناگزیر است نابرابری در دسترسی به فرصت‌های آموزشی را کاهش دهد.»

مصاحبه شونده کد ششم، «تقسیم مدارس به دولتی و غیرانتفاعی یکی از مصادیق نابرابری اجتماعی در ایران است، عواقب این تقسیم بندی ناعادلانه در درازمدت قابل مشاهده است، مدارس استعدادهای درخشان با هدف نخبه‌پروری آسیب‌های جدی بر پیکره فرهنگ و هویت فرهنگی نسل پیش رو وارد می‌کند از طرفی مدارس دولتی نیز با کمبود و کیفیت معلم و امکانات و فضاهای آموزشی ناکافی، به نابرابری آموزشی دامن می‌زنند.»

۵. معضلات نظام آموزشی: کمبود بودجه‌های آموزشی همراه با نیاز افراد به آموزش همگانی چشم انداز روشنی را پیش روی سیاست گذاران با توجه به سیاست‌های فعلی نمی‌نماید. در بخش کیفی نظام آموزشی یکی از مهمترین مشکلات، مربوط به عدم همخوانی نظام آموزشی کشور با نیازها، تحولات و پیشرفت‌های تکنولوژیکی جامعه و در بعدی کلان‌تر تحولات جهانی است. این معضل در بعد داخلی، همواره باعث عدم اشتغال قشر تحصیل کرده و به اصطلاح آموزش دیده در مقاطع متوسطه، عالی و فنی حرفه‌ای و پیدایش بحران بیکاری شده است.

متأسفانه در ایران نه تنها از روش‌های قدیمی در امر آموزش استفاده می‌شود و از شیوه‌های جدید آموزشی با بهره‌گیری از تکنولوژی جدید جزء در موارد نادر استفاده نمی‌شود، بلکه به به دلایل مختلفی نظیر میل به مدرک‌گرایی برای دستیابی به وجهه اجتماعی، فقدان اهداف و سیاست‌های علمی و مدون راهبردی، کمبود اعتبارات مالی، ثابت ماندن ساختار برنامه‌های آموزشی و غیرقابل انعطاف بودن آن نسبت به تغییر شرایط و تقاضای بازار کار، عدم مدیریت و گسیختگی نظام تصمیم‌سازی، شده است. منابع و محتوای برنامه‌های درسی و گرایش‌های مختلف تخصصی به هنگام و روزآمد نیستند و با پیشرفت‌های علوم و فنون، تحولات اخیر در ایران و جهان، نیازهای متنوع و روبه افزایش بازار کار هماهنگی ندارد؛ به طوری که اگر وضعیت بازار کار تعداد فارغ التحصیلان، نیروی بالقوه کار و نرخ بیکاری را مدنظر قرار دهیم متوجه بسیاری از نکات می‌شویم (Fazel, Miri Ashtiani, 2008) دومین مشکل نظام آموزشی به لحاظ کیفی، مربوط به مربوط به روح آیین‌نامه‌های نظام آموزش و پرورش است. سومین مشکل نظام آموزشی ضعف جنبه‌های کاربردی و عملی مقطع متوسطه است. چهارمین مشکل نظام آموزش و پرورش کشور، محتوای برنامه‌های درسی است که موضوع مدار و کتاب محور است لذا دانش‌آموزان را به سمت محفوظات پیش می‌برند و جلوی هر گونه خلاقیت و نواندیشی را از آنها می‌گیرند. معلمان نیز با سیستم نمره‌گذاری، درس دادن و امتحان گرفتن آموزش می‌دهند و تنها کتاب درسی را تدریس می‌کند در برخی دانشگاه‌ها همانند دانشگاه پیام نور هم این سیستم حکمفرما است. آموزش مهارت‌زندی، به عنوان یکی از اصول محتوای برنامه درسی به قدری در سطح جهانی مورد توجه است که سازمان یونسکو در سال ۱۹۹۱ در مالزی یک کارگاه منطقه‌ای در این زمینه بر پا کرد و در آن ۱۳ کشور از آسیا و اقیانوسه از جمله ایران شرکت داشتند (Saadati, 2002).

در این کارگاه به ارزش‌ها و نگرش‌ها از قبیل: احترام به دیگران، خودخواه نبودن، مهربانی، تحمل و صمیمیت، صیانت نفس و سخت کوشی، اعتماد به نفس، دقت و صحت، امانت، مسئولیت‌پذیری، شهادت، تصمیم‌گیری، تقویت تفکر علمی نظیر خلاقیت، کنجکاوی، نتیجه‌گیری، تفکر عقلانی، نظم و تربیت، عدم خشونت، عدالت، قدرشناسی، هویت ملی و ایمان به خدا توجه شده است (Ahmadian Rad, 2007).

پنجمین معضل نظام آموزش و پرورش به خصوص در مقطع راهنمایی، آن است که در ارائه و محتوای آن به تفاوت بین دختران و پسران با توجه به نیازمندی‌ها و چشم‌اندازهای تحصیلی و شغلی آنان توجه نشده است. در این دوره نخست نیازهای متنوع مناطق مختلف کشور را، سپس نیازهای دختران و پسران را با توجه به جنسیت آنها برای درک و قبول مسئولیت‌های زندگی، خانوادگی، شهری، ملی. جهانی آماده کنند. ششمین مشکل نظام آموزشی مربوط به شیوه ارائه مطالب و نوع تدریس معلمان و اساتید است که کاملاً مبتنی بر روشهای قدیمی و سنتی و بر مبنای مالک و مملوک انجام می‌شود معلم یا استاد حلقه انتقال اطلاعات و دانش پراکنده و گسسته است و دانش آموز و دانشجو وابسته به معلم، استاد و جزوه در فرایند یادگیری غیرفعال و منفعل است (Shah Moradi, 2000).

هفتمین معضل، ایجاد نابرابری آموزشی و تبعیض‌های طبقاتی است نظام آموزشی با ایجاد امکانات و ملاک‌های خاص برای عده‌ای خاص، باعث ایجاد نابرابری آموزشی می‌شود. وجود امکانات آموزشی و استفاده از کادر آموزشی مجرب در مناطق مرفه، نه تنها باعث ایجاد و تشدید نابرابری آموزشی و افت تحصیلی میان دانش‌آموزان مناطق مرفه و فقیر شهری می‌شود، بلکه با اختصاص یافتن موقعیت اجتماعی-شغلی برای اقشار مرفه به نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و شکاف طبقاتی دامن زده می‌شود. بدون شک این نابرابری را بین نقاط روستایی و شهری در بعد کلان می‌توان مشاهده کرد. هشتمین معضل، مربوط به تداوم و بازتولید نظام مردسالارانه در محتوای برنامه‌های درسی است (Fazel, Miri Ashtiani, 2008).

ضعف مهارت‌های پژوهشی در دانشگاه‌ها، یکی دیگر از معضلات نظام آموزشی کشور در سطح عالی است. امروزه پرورش مهارت‌های پژوهشی و پژوهشگر، بیشتر به یک خط تولید شباهت دارد؛ خطی که به انتقال منظومه‌ای از اطلاعات مبادرت می‌ورزد و اساساً به جنبه‌های کاربردی به دلیل کمبود تعداد محققان دانشگاهی، کمبود کتاب‌هایی که هم جنبه عملی و هم علمی توجه داشته باشند، کمبود اعتبارات و توزیع نامناسب آن نبود سیاست‌های روشن پژوهشی و منسجم، توجه ندارد در حالی که در کشورهای پیشرفته با برنامه‌ریزی و هدایت هدف‌دار پایان‌نامه‌های دانشجویی - بر موضوعات خرد و جزئی تأکید می‌کنند- تئوری‌های کلان، جدید و علمی تولید می‌شود متأسفانه در هنوز در کشور ما امکانات و توانایی ارتباط دانشجویان و محققان با مراکز تولید علم در دنیا وجود ندارد (Khodabakhshi, 2002).

معضلات نظام آموزشی به لحاظ کمی، نسبت دانش‌آموزان یا دانشجویان به کارکنان آموزشی و نسبت دانش‌آموزان در مقاطع مختلف به آموزشگاه‌ها و مکان‌های آموزشی است. براساس داده‌های بدست آمده از سالنامه آماری ۱۳۹۹، در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ نسبت دانش‌آموز به معلم استان ایلام با ۱/۲۶، کرمانشاه ۱/۵۹، کردستان ۱/۵۸ است. نسبت دانشجو به آموزشیاران استان کردستان با ۴/۶۲ و نسبت استان کرمانشاه ۳/۵۲ و ایلام ۳/۹۹ است. نرخ باسوادی در کل کشور ۸۷/۶، ایلام ۸۹/۱، کردستان ۸۱/۵، کرمانشاه ۸۴/۵ است.

بحث و نتیجه‌گیری

آموزش و پرورش رکن اساسی توسعه است آموزش افراد نوعی سرمایه‌گذاری ملی است و هر کشوری که در این راه تلاش بیشتری نماید بدون شک از رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی بیشتری در آینده برخوردار خواهد شد، سرمایه انسانی که در نتیجه آموزش حاصل می‌شود از مهمترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی است. آموزش و پرورش علاوه برآنکه فرصتی فراهم می‌آورد تا افراد توانایی‌ها و استعدادهای خویش را پرورش دهند، دارای آثار و فواید اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. بنابراین آموزش و پرورش در بعد اجتماعی جایگاه بالایی دارد.

راهکارها: برای بهبود کیفی ساختار آموزشی کشور در همه مقاطع - که پرورش دهنده نیروی فعال و بالقوه کشور است- توجه به پیشنهادات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۱. ایجاد تعادل و هماهنگی میان سیستم آموزشی کشور در همه مقاطع (متوسطه، عالی، فنی و حرفه‌ای) و بازار کار به منظور استفاده بهینه از نیروهای آموزش دیده به عنوان سرمایه اجتماعی و رفع معضل بیکاری. توسعه نظام آموزش فنی حرفه‌ای کشور و تقویت گرایش‌های کار و دانش در این زمینه راه‌گشای خوبی می‌تواند باشد؛ همچنین آموزش دانشگاهی باید با دوره‌های کارآموزی در دنیای اشتغال همراه باشد.

۲. اصلاح روش تدریس سنتی و ایجاد روش‌های تدریس جدید مانند آموزش نمایشی، روش اکتشافی هدایت شده، روش حل مسئله، بحث گروهی، روش فرآیند مدار که در کنار همه آنها می‌توان از رسانه‌های آموزشی - با توجه به شرایط یادگیری و تشخیص معلم- استفاده کرد.

۳. کاهش تبعیضات آموزشی و اجرای عدالت آموزشی. حل این مشکل از طریق توزیع عادلانه نظام آموزشی از جمله توزیع مدارس و کانون‌های آموزشی در کلیه مقاطع در سراسر کشور، براساس جمعیت دانشجو و دانش‌آموزان مناطق شهری و به تفکیک روستاها و شهرها.
۴. تصحیح و ایجاد روش‌ها و معیارهای صحیح تربیتی و آموزشی در محتوای دروس و دانشگاه‌ها، هم براساس استانداردهای جهانی و هم خصوصیات فرهنگ بومی کشور و استفاده از ابزار مناسب. زدودن کلیشه‌های جنسیتی و ایجاد الگوهای برابر برای زنان و مردان و ایجاد مشارکت معلمان و اساتید خیره و متخصص و آشنا به اصول تدوین کتب درسی در تألیف کتاب‌ها در همه مقاطع.
۵. جایگزین کردن مدیریت عقلانی و سیستمی به جای مدیریت پراکنده و متکی بر تجربه‌های شخصی.
۶. تدوین نظام جامع انتخاب، تربیت، جذب، نگهداری و ارتقای معلمان، با عنایت به مؤلفه‌های صلاحیت‌های موردانتظار، قابلیت‌ها، انگیزه‌ها... توجه خاص به افزایش کارآمدی معلمان، مشخص شدن سیاست‌های دولت در رابطه با مراکز تربیت معلم، توجه به نیازهای جامعه در انتخاب و تربیت معلمان، به کارگیری رویکردها و الگوهای جدید در تربیت معلم، توجه بیشتر به تکنولوژی آموزشی و فناوری اطلاعات و ارتباطات، توجه به ملاک‌های شخصیتی در انتخاب معلمان (باز بودن، پذیرا بودن، جدی بودن و...).

تشکر و قدردانی

در پایان نویسندگان از تمام افرادی که در این پژوهش مشارکت داشتند، تقدیر و تشکر می‌نمایند.

References

- Abdullazadeh N, Blandhamtian K, Shirbeigi N. (2021). "Reproduction of educational inequality in the era of Corona", Iranian Journal of Social Issues, twelfth volume, first issue, spring and summer, 169-204.
- Ahmadian Rad H. (2007). "Vacancy of life skills in schools", Iran newspaper, number 3411, 2007/12/13.
- Baldwin R, Forslid R, Martin P, et al. (2001) "Agglomeration and Growth with and without Capital Mobility". Discussion Paper Series 26403, Hamburg institute of International Economics.
- Billon M, Crespo J, Lera-López F. (2018). Educational inequalities: Do they affect the relationship between Internet use and economic growth? *Information Development*. 34(5):447-59.
- Brasili C, Bruno F. (2012) & Spatial Econometric Approach to Eu Regional Disparities between Economic and Geographical Periphery". *Statistica*, anno LXXII, 3(1): 299-316.
- Chalabi M. (2015). "Sociology of Order: Theoretical Analysis of Social Order", 8th edition, Tehran, Nashre ni.
- Cohen B. (2013). "Fundamentals of Sociology", translated by Gholam Abbas Tusli and Reza Fazel, twenty-sixth edition, Tehran: Samit Publications.
- ENACHE R, Goga M. (2019) Forms of Inequality Manifestation in Continuous Training Perceived by Teachers. *Romanian Journal for Multidimensional Education/Revista Romaneasca pentru Educatie Multidimensionala*;11(3).
- Ghasemi V, Rafiei B, Farastkhah Z, Hashiman S A (2019). "Analysis of the mediating role of stratification of higher education in the reproduction of social inequalities in the labor market", *Journal of Applied Sociology*, year 30 1st, serial number (80), fourth number, 1-22.
- Giddens A, Birdsall K. (1938). "Sociology with complete and updated revision", translated by Hasan Chavoshian, 6th edition, Tehran: Ney Publishing.
- Hannum E, Ishida H, Park H, Tam T. (2019). Education in East Asian Societies: Postwar Expansion and the Evolution of Inequality. *Annual Review of Sociology*.;45:625-47.
- Janice H, Kima A, Belay H, et al. (2022). Early Childhood Research Quarterly journal homepage: www.elsevier.com/locate/ecresq. 58: 103-114.
- Kamali A. (2008). "An Introduction to the Sociology of Social Inequalities", Tehran: Samt Publications.
- Kinsley A, Kimberley L, Rycroft, Robert S. (2001) Title: Inequality in America: causes and consequences Description: First Edition. Santa Barbara, California:ABC-CLIO, 2021.Includes bibliographical references and index. Identifiers: LCCN 2020052214 (print). LCCN2020052215 (ebook).
- Kron, J. (2012). "Sociology of Social Issues", translated by Mehrdad Navabakhsh and Fatemeh Karmi, Tehran, Sociologists Publications.
- Peng H, Qi L, Wan G, Li B, Hu B. (2020). Child population, economic development and regional inequality of education resources in China. *Children and Youth Services Review*.110:104819.
- PK, Kraus MW, Keltner D. (2018). Unpacking the inequality paradox: The psychological roots of inequality and social class. *Advances in experimental social psychology*. 57: Elsevier; p. 53-124.
- Rafipour F. (2008). "Development and Contradiction", Tehran: Publishing Company.
- Ritzer G. (2010). "Contemporary Sociological Theories and Its Classical Roots" translated by Khalil Mirzaei, Ali Baghai Sarabi. Tehran: Sociologists Publishing House.
- Saadati L. (2002). "Educational system in need of transformation", Tehran: Culture and Research, No. 103, p. 24.
- Schneider D, Hastings OP, LaBriola J. (2018). Income inequality and class divides in parental investments. *American Sociological Review*. 83(3):475-507.
- Shah Moradi A. (2000). "Looking at the current educational system", Tehran: Andisheh Jamia No. 7.
- Sharapour M. (2008). "Education Sociology", Tehran: Somit Publications.
- Tchamyou VS. Education, lifelong learning, inequality and financial access: Evidence from African countries. *Contemporary Social Science*. 2020;15(1):7-25.